

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۱۷ جنوری ۲۰۱۷

تفسیر احمد- ۳۲

ترجمه و تفسیر سورة النصر

این سوره در « مدینه » نازل شده و دارای ۳ آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

ترجمه موجز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (۱) «آنگاه که نصرت الهی بیاید و فتح و گشایش».

«وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (۲) «و مردم را ببینی که دسته دسته و گروه گروه داخل دین خدا می شوند».

«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (۳) «پروردگار خود را سپاس و ستایش کن و از او آمرزش بخواه بی گمان او توبه پذیر است».

معلومات موجز:

(سورة النصر) مدنی بوده، دارای (۱) رکوع ، (۳) سه آیت، (۱۹) نوزده کلمه، (۸۲) هشتاد و دو حرف و (۳۴) سی و چهار نقطه است.

این سوره به اجماع مفسرین، مدنی است و نام آن سوره التودیع نیز می باشد. تودیع به معنای خداحافظی است، چون در این اشاره به نزدیک شدن وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم هست که به همین علت به آن سوره التودیع گفته شده است.

اسباب نزول سوره :

عبد الرزاق در « مصنف » از معمر از زهری روایت می کند : رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام فتح مکه وارد آن شهر شد خالد بن ولید (رض) را به طرف (جناح پائین مکه مکرمه) فرستاد ، و آن بزرگوار با سپاه تحت فرمان خود در آن قسمت با برخی از سپاه قریش مواجه شد و با آنها به جنگ پرداخت و خدا جل جلاله مشرکان را مغلوب و مسلمانان را پیروز کرد و در آن حال مسلمانان به دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم سلاح خود را از گلوی شکست خوردگان برداشتند ، و سپس آنها دین اسلام را پذیرفتند .

خلاصه تفسیر:

(ای محمد) وقتی مدد الله و فتح (مکه با آثار خود) برسند و (آثار مترتب بر آن فتح ، از این قرار هستند که) تو می بینی مردم را که گروه گروه در دین خدا (اسلام) داخل می شوند ، پس (آن وقت بدان که هدف از بقای شما در دنیا و بعثت شما ، که به خاطر تکمیل دین بود ، به پایان رسیده است ، اکنون سفر آخرت نزدیک شده است ، پس برای آن آماده باش ، و) برای پروردگارت تسبیح و تحمید انجام بده ، واز او آمرزش بخواه (از اموری که خلاف انجام گرفته است (آمرزش بخواه) او بسیار توبه پذیر است.

وجه تسمیه :

این سوره بدین سبب «نصر» نام گرفت که با این فرموده خدای تبارک و تعالی: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» افتتاح شده است و مراد از آن، فتح مکه مکرمه یعنی همان فتح اکبری است که فتح الفتوح نام گرفت. چنان که این سوره به نام «تودیع» نیز نامیده می شود از آن روی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بعد از نزول آن فقط هفتاد روز زنده بودند و در ربیع الاول سال دهم هجری به رحمت حق پیوستند. ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: «این آخرین سوره قرآن کریم از نظر نزول است». ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: «این سوره در میانه ایام تشریق بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم نازل شد پس دانستند که این پیام وداع است آن گاه سوار بر ناقه قصوی خطبه مشهور خویش را که خطبه حجة الوداع است، ایراد نمودند». و راجع به فضیلت آن در حدیث شریف آمده است: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ مُعَادِلُ رُبْعِ قُرْآنِ اسْت».

برخی از مفسرین می نویسند: این سوره قبل از فتح مکه نازل شده است: در این سوره در جنب این که پروردگاریا عظمت از فتح مکه به پیامبر اسلام مژده می دهد ، مژده این را هم می دهد که پروردگار پیامبر اسلام را در این فتح یاری هم می رساند و مردم دسته دسته و گروه گروه داخل دین اسلام می گردند ، طوری که بسیاری از آنان یاوران او خواهند شد ، در حالی که قبلاً دشمن سر سخت رسول الله صلی الله علیه وسلم بودند.

مفسرین می افزایند:

اطلاع از فتح قبل از وقوع آن در ذات خود معجزه ای از معجزات نبوت می باشد.

امام رازی رحمة الله این قول را صحیحتر می داند.

در حدیث شریف به روایت ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که فرمود: چون سوره « نصر » نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «با نزول آن خبر مرگ من به من داده شده است». صحابه کرام نیز بر این معنی متفق القول اند و ایشان این معنی را از آن روی دانستند که امر مطلق به تسبیح، تحمید و استغفار دلیل بر آن است که کار ابلاغ دعوت به اتمام رسیده است و این خود اقتضا می کند که پیام آور حق صلی الله علیه و سلم از این دنیا رخت سفر بر بندد.

روایت شده است که چون این سوره نازل شد، رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطابه ایراد کرده و در آن فرمودند: «إن عبدا خيره الله بين الدنيا وبين لقائه والآخره، فاختر لقاء الله: همانا خداوند بنده را در میان دنیا و میان آخرت و لقای خویش مخیر گردانید پس او لقای خدا را انتخاب کرد».

خواننده محترم!

چیزی که خداوند پیامبرش را بدان مژده داده تحقق یافت. و اما فرمانی که خدا بعد از به دست آمدن یاری و فتح، پیامبرش را بدان فرمان داد این است که پیامبر باید او را به خاطر این چیز سپاس بگذارد و خدا را به پاکی یاد کند و از او آمرزش بخواهد و همواره از او طلب مغفرت نماید، دین پیروز می‌گردد و بر پیروزی‌اش افزوده می‌شود، زیرا سپاس و ستایش و استغفار از مصادیق به جای آوردن شکر است. خداوند می‌فرماید: «لئن شكرتم لأزيدنكم» (سوره ابراهیم: ۷). «اگر شکرگزار باشید به شما بیشتر خواهم داد». واقعاً هم اسلام در زمان رسول الله صلی علیه وسلم و در زمان خلفای راشدین و بعد از آن چنان به عظمت و پیروزی دست یافت که هیچ یک از ادیان آسمانی به آن جا نرسیده بودند و چنان مردم به آن گرویدند که به دیگر ادیان نگرویده بودند.

انسان باید از پیروزی به دست آمده خویش شکر گزار باشد، فاتحان اکثراً بعد از فتح به امراض غرور و تکبر مبتلا می‌شوند، و پیروزی را نتیجه شایستگی‌ها و برازندگی‌ها می‌پندارند، نسبت به دیگران احساس برتری می‌کنند، و خواهان امتیاز می‌شوند، احساس غرور و خود بزرگ بینی شان در برخورد با دیگران نمایان می‌شود. ولی انسان باید همواره به یاد خدا باشد؛ بی هیچ گونه فراموشی و در راه او گام بردارد؛ بدون هیچ‌گونه معصیت؛ و اطاعت فرمان او کند خالی از هرگونه سرپیچی؛ و مسلم است که این اوصاف در کمتر کسی جمع می‌شود. نقطه دومی که مفسرین در تفسیر این سوره می‌نویسند اینست که:

زمان مرگ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزدیک شده است، و از آنجا که زندگی او بسیار با ارزش است خداوند به آن سوگند خورده است. و امور با ارزش از قبیل نماز و حج و غیره با آمرزش خواستن پایان می‌یابد. پس امر نمودن خداوند پیامبرش را به این که خدا را ستایش کند و از خدا آمرزش بخواهد، اشاره است به این که دوران حیات او به سر رسیده است و باید خودش را برای ملاقات با پروردگارش آماده نماید و عمرش را با بهترین چیزها به پایان ببرد.

موضوعات کلی این سوره:

موضوعات کلی این سوره عبارتند از:

- پیشگویی فتح مکه
- پیشگویی ایمان آوردن مردم
- اشاره به رحلت پیامبر پیامبر صلی الله علیه وسلم
- شکر گذاری انسان از نعمتهای پروردگار با عظمت
- توبه پذیری و رحمت و لطف بی پایان پروردگار.

محتوای سوره:

این سوره بعد از هجرت نازل شده است، که در آن به رسول الله صلی الله علیه وسلم، بشارت به پیروزی بزرگ و عظیمی می‌دهد، که همان فتح مکه و به تعقیب آن پیوستن گروه گروه از مردم به دامن دین مقدس اسلام می‌باشد. بناء به شکرانه این نعمت بزرگ پیامبر صلی الله علیه وسلم را دعوت به «تسبیح» و «حمد» الهی و «استغفار» می‌کند.

گرچه در اسلام فتوحات زیادی رخ داد، ولی فتحی با مشخصات فوق جز «فتح مکه» نبود، به خصوص این که طبق بعضی از روایات، اعراب معتقد بودند اگر پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم مکه را فتح کند و بر آن مسلط گردد این دلیل بر حقانیت اوست.

برخی از مفسرین می‌فرمایند که این سوره بعد از «صلح حدیبیه» در سال ششم هجرت، و دو سال قبل از «فتح مکه» نازل گردید. ولی همه مفسرین در این مورد اتفاق دارند که هدف «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» در مورد فتح مکه نازل شده است. و آن را از لفظ «إِذَا جَاءَ» معلوم می‌دارند که سوره قبل از فتح مکه نازل شده است. در روح «المعانی» به حواله «بحر المحيط» روایتی موافق با این آمده است که نزول این سوره بعد از برگشت از غزوه خیبر بیان شده است، و فتح خیبر قبل از فتح مکه، معروف و مشهور است.

در تفسیر «روح المعانی» به سند عبد بن حمید از حضرت قتاده منقول است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از نزول این سوره تا دو سال زنده ماند.

حاصل این روایت نیز این است که این سوره قبل از فتح مکه نازل شده است، زیرا از فتح مکه تا وفات آن حضرت صلی الله علیه وسلم از دو سال کمتر است. (این در صورتی است که وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم در سال ۱۰ هجری باشد، حال آنکه در سال ۱۱ هجری اتفاق افتاده است، زیرا در سال ۹ هجری حضرت ابوبکر صدیق مراسم حج را به جا آورد و در سال ۱۰ هجری حجة الوداع شده پس وفات سال ۱۱ هجری بوده است). فتح مکه در ماه مبارک رمضان در سال ۸ هجری به وقوع پیوست و وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم در ماه ربیع الاول سنه ۱۰ هجری اتفاق افتاد، (سال ۱۱ هجری وفات آن حضرت؟ زیرا در سال ۱۰ هجری حجة الوداع است که در ذوالحجه می‌باشد که پس از ربیع الاول است) لذا منظور از آنچه در بعضی روایات آمده است که این سوره در فتح مکه یا حجة الوداع نازل شده است، این می‌باشد که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را در این موقع در صحابه تلاوت کرده است و مردم پنداشته اند که اکنون نازل گردیده است. (غرض معلومات بیشتر مراجعه فرماید: به «بیان القرآن»

در حدیثی آمده است زمانی که این سوره نازل شد و پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را بر یاران خود تلاوت کرد همگی خوشحال و خوشدل شدند، در این میان حضرت عباس کاکای پیامبر صلی الله علیه وسلم به محض شنیدن این سوره گریان کرد و اشک از چشمش سرازیر شد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم از حضرت عباس پرسید ای کاکا چرا گریه می‌کنی حضرت عباس در جواب رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: گمان می‌کنم خبر رحلت شما در این سوره داده شده ای رسول الله! پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: مطلب همان گونه است که تو می‌گویی.

تفسیر سوره :

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (۱) «چون نصرت الهی و فتح فرارسد» یعنی: ای محمد صلی الله علیه و سلم! آن‌گاه که پیروزی الهی برایت علیه دشمنانت قریش به ظهور آید و مکه بر تو گشوده شود. نصر: عبارت از تأییدی است که دشمنان با آن مغلوب گردیده و مسلمانان بر آنان برتری پیدا کنند.

«فتح»: گشودن دیار دشمنان و ورود به خانه‌هایشان و نیز گشایش دل‌هایشان برای پذیرش حق است. پس فرق در میان «نصر» و «فتح» این است که: نصر همچون سببی برای فتح می‌باشد، از این جهت ابتداء نصر ذکر شد و سپس فتح بر آن عطف گردید.

«وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (۲) (و ببینی که مردم فوج فوج در دین الله درآیند) یعنی: ای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم! در هنگام رسیدن نصرت و فتح، مردم - اعم از اعراب و غیر آنان - را می‌بینی که گروه گروه و دسته دسته به دینی در می‌آیند که خداوند جل جلاله تو را بر آن مبعوث کرده است، بعد از آن‌که آنها یکی یکی یا دوتا دوتا به دین حق داخل می‌شدند. نقل است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مکه را فتح کردند، اعراب گفتند: اما اکنون که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر اهل حرم غالب و پیروز شد درحالی‌که خداوند جل جلاله ایشان را از هجوم اصحاب فیل در پناه خود داشت، این خود برهان روشنی است بر این‌که محمد صلی الله علیه و آله و سلم به حق است و شما علیه او قدرتی ندارید. لذا از ستیز و مقاومت دست برداشته و در مجموعه‌های بزرگی، گروه گروه و دسته دسته یکی بعد از دیگری به اسلام وارد می‌شدند و موج رویکرد به سوی اسلام چنان بود که يك قبيله تماماً به یکبار در اسلام داخل می‌شد.

جمهور فقها و بسیاری از علمای کلام برآنند که ایمان مقلد صحیح است زیرا حق تعالی بر صحت ایمان این افواج مردم که ایمانی تقلیدی بود، حکم کرد و آنرا از بزرگترین احسانهای خود بر پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برشمرد و اگر ایمانشان صحیح نمی‌بود، در این مناسبت از آن یادی نمی‌کرد.

«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَعِذْ بِهِ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (۳) (پس به حمد پروردگار خود تسبیح بگویی) این آیت، امر به تسبیح گفتن برای پروردگار متعال و ستایش برای وی را با هم جمع کرده است.

تسبیح گفتن برای پروردگار متعال از خوشحالی آن حضرت صلی الله علیه و سلم نسبت به رخدادهای عظیم پیروزی خبر می‌دهد که حتی به فکر ایشان و به فکر احدی از مردم خطور نمی‌کرد؛ و حمد و ستایش حق تعالی، در برابر صنع زیبا و رفتار روح افزایش با پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم و منت عظیم وی بر ایشان در نصر و فتح ام القری می‌باشد «و از او آمرزش بخواه» برای لغزش‌های؛ به عنوان نوعی تواضع و فروتنی برای حق تعالی و کوچک شمردن و اندک دانستن عمل خویش و نیز برای آموختن این امر به امت «هرآنینه الله همواره توبه‌پذیر است» یعنی: از شأن وی این است که برآمرزش‌خواهان توبه بپذیرد و بر آنان به رحمت بازگردد. در حدیث شریف به روایت عائشه رضی الله عنها آمده است: «بعد از آن‌که سوره إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، آن حضرت صلی الله علیه و سلم هیچ نمازی را نمی‌خواندند مگر این‌که در آن می‌گفتند:

«سبحانك ربنا و بحمدك، اللهم اغفر لي» پروردگارا! پاکی تو راست همراه با ستایشت. بارالها! بر من ببامرز». همچنین عائشه رضی الله عنها می‌گوید: «رسول الله صلی الله علیه و سلم در رکوع و سجده خویش بسیار می‌گفتند: «سبحانك اللهم و بحمدك اللهم اغفر لي».

حضرت ام سلمه در روایتی می‌فرماید: که رسول الله صلی الله علیه و سلم پس از نزول این سوره در هر نشست و برخاست و رفت و آمد، بلکه در هر حال این دعا را می‌خواند: «سبحان الله و بحمده، استغفر الله و اتوب اليه» و می‌

فرمود: که به من چنین دستور داده شده است و در استدلال به آن « اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ » را تلاوت می کرد. حضرت ابو هریره می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از نزول این سوره در عبادت، بیشتر مجاهده می کرد، تا این که در پاهایش ورم می کرد. (قرطبی)

در حقیقت، این شیوه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم تفسیر عملی این آیت از قرآن کریم است. بخاری و دیگران از ابن عباس رضی الله عنهما در بیان سبب نزول این سوره روایت کرده اند که فرمود: عمر رضی الله عنه مرا با بزرگان بدر به مجلس خویش فرا می خواند اما گوئی که برخی از آنان از این امر در اندرون خویش دغدغه ای می یافتند (یعنی ناراحت بودند). روزی عمر رضی الله عنه بزرگان بدر را به مجلس خویش فراخواند و مرا نیز با آنان به آن مجلس وارد کرد. من از این فراخوانی وی دریافتم که عمر رضی الله عنه امروز دیگر مرا با ایشان فرانخوانده است مگر به این هدف که (فضل) مرا به آنان نشان دهد. پس رو به آنان نمود و گفت: در تفسیر این فرموده خدای عزوجل: « اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ » چه می گوئید؟ برخی از ایشان گفتند: خدای عزوجل در این سوره به ما دستور داده است تا بعد از آن که ما را پیروز کرد و فتح را نصیبمان گردانید، او را ستایش گفته و از او آمرزش بخواهیم.

برخی هم سکوت نموده و چیزی نگفتند. آن گاه عمر رضی الله عنه رو به من کرد و فرمود: ای ابن عباس! آیا تو نیز چنین می گوئی؟ گفتم: خیر! بلکه نظر من این است که این آیت به فرارسیدن اجل رسول الله صلی الله علیه و سلم اشاره دارد.

یعنی خداوند جلّ جلاله با نزول « اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ » ایشان را از نزدیک شدن وقت رحلتشان آگاه کرد و فرمود: آمدن نصرت و فتح، علامت فرارسیدن اجل توست؛ « فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ ... »: آن گاه تسبیح بگوی همراه با ستایش پروردگار خویش و از او آمرزش بخواه زیرا او بسی توبه پذیر است. عمر رضی الله عنه فرمود: من نیز بجز آنچه که تو گفتی، وجه دیگری برای نزول آن نمی دانم.

آخرین سوره و آخرین آیات قرآنی:

در صحیح « مسلم » از حضرت ابن عباس منقول است که سوره « نصر » آخرین سوره از قرآن است، (قرطبی) مقصود این که بعد از آن سوره کامل دیگری نازل نشده است، نزول بعضی آیات در بعضی روایات که بعد از این بیان شده، با این منافاتی ندارد، هم چنان که سوره فاتحه اولین سوره از همه قرآن « به این معناست که سوره ای کاملی قبل از فاتحه نازل نشده است، و نزول چند آیت از سوره های « اقرأ، مدثر » و غیره قبل از فاتحه با آن منافی نیست.

حضرت ابن عمر فرموده است که این سوره در حجة الوداع نازل شده است، و پس از آن آیت « الیوم اکملت لکم دینکم » (سوره مائده، ۳) نازل گردیده، و پس از نزول اینها رسول الله صلی الله علیه وسلم فقط هشتاد روز در دنیا ماندند (و پس از هشتاد روز وفات کردند) و پس از آن دوتا آیت کلاله نازل گردید، که پس از آن فقط پنجاه روز از عمر آن حضرت مانده بود، سپس آیت: « لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم » (سوره توبه آیت ۱۲۸) نازل شد، و بعد از آن از عمر رسول الله فقط سی روز باقی بود، از آن به بعد آیت « اتقوا یوماً ترجعون فیہ الی الله » (سوره بقره آیت ۲۸۱) نازل گردید که پس از آن رسول الله در بیست و یکمین روز و مطابق روایت مقاتل هفتمین روز وفات نمود. (قرطبی)

تکبر:

پروردگار با عظمت ما در (آیت ۲۳ سوره نحل) با زیبایی خاصی می فرماید: «خداوند متکبران را دوست نمی‌دارد». «تکبر» یعنی این که انسان خود را نسبت به سایر انسانها بلند و بالاتر به حساب آرد، و در ضمن معتقد هم باشد که نسبت به سایر انسانها برتری دارد، و دیگران به نظرش کوچک جلوه نمایند.

قرآن عظیم الشان در آیت ۱۴۶ سوره اعراف می فرماید: «به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق ادعای بزرگی می‌کنند، از (ایمان به) آیات خود، رویگردان خواهیم ساخت» و «آنانی که بدون هیچ دلیلی با آیات الهی به مجادله بر می‌خیزند، در نتیجه نزد خدا و اهل ایمان سخت مورد غضب هستند و بدین گونه است که خداوند بر دل هر متکبر جباری مهر می‌زند» (آیت ۳۵ سوره غافر)

تکبر اینست که: انسان خود را بالاتر از دیگران بشمارد، و معتقد هم شود که بر آنها برتری دارد، و دیگری را کوچک شمارد. تکبر و خودبرتربینی؛ گاه انسان را در برابر پروردگار و پیامبران و فرستادگان الهی به تمرّد و سرکشی می‌کشاند و گاه او را در میان هموعان و بندگان خدا به برتری جوئی وا می‌دارد.

کبر و تکبر و استکبار- در معنا به هم نزدیکند، کبر حالتی است که انسان با بزرگ دیدن خویش به آن صفت مخصوص می‌شود و این وقتی است که انسان جان و وجود خویش را از غیر خویش بزرگتر می‌بیند. بزرگترین و سنگین ترین تکبرها، تکبر بر خداوند در خودداری از قبول حق و عدم اقرار به آن در پرسش است. (مفردات راغب اصفهانی).
تکبر و غرور در حکم و شریعت خداوند جرم بسیار سنگینی است، خداوند نسبت به متکبران بسیار خشمگین است. لذا تکبر و غرور در برابر مسلمین حرام است، و از خصلتهای نکوهیده ای است که به نوعی جزو امراض قلوب می باشد، که بایست در فکر درمان آن بود.

در قرآن عظیم الشان تکبر از صفات بسیار نکوهیده بشر شمرده شده است. در برخی آیات به کلمه متکبر تصریح شده است؛ آیاتی که دوزخ را جایگاه متکبران معرفی می کند: «فَادْخُلُواْ أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ» (سوره نحل ۲۹) یعنی: پس از درهای جهنم وارد شوید در حالی که در آنجا جاودانه خواهید بود. چه بد است جایگاه متکبران.

و تکبر موجب می شود که مسلمان وارد بهشت نشود، چنان که حدیث صحیحی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است که می فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ...» مسلم (۱۳۱). «کسی که هم وزن ذره غرور و کبر در دل داشته باشد، وارد بهشت نمی‌شود.» روزی که خداوند بندگان را زنده نموده و در میدان حشر جمع خواهند شد، متکبران را در یک وضعیت بسیار حقارت آمیز حشر خواهد کرد.

در حدیثی که امام ترمذی آن را روایت کرده رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «يُحْشَرُ الْمُتَكَبِّرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْثَالَ الذَّرِّ فِي صُورِ الرِّجَالِ يَعْشَاهُمْ الذُّلُّ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» مشکاة المصابیح: (۶۳۵-۲) شماره: (۵۱۱۲). (متکبران روز قیامت در نهایت پستی و کوچکی مانند مورچه حشر می شوند، در حالی ذلت و نگون بختی از هر طرف آنان را احاطه کرده است.) «الذَّرُّ» به معنی مورچه است، معمولاً مردم به آنها توجه نمی‌کنند، در حالی که کسی متوجه آنها نمی شود، زیر پا له و پایمال می شوند.

بنابراین هر مسلمانی که دارای این مریضی است باید در فکر تداوی و معالجه آن گردد و به جای کبر و غرور راه تواضع و فروتنی را درپیش گیرد، و بداند که آنکسی نزد خداوند متعال از همه گرامی تر است که اهل تقوای بیشتری باشد: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (سوره الحجرات: ۱۳) «در حقیقت ارجمندترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست».

یعنی برتری میان شما در نزد حق تعالی، فقط با تقوا است پس هر کس از تقوا برخوردار باشد، سزاوار آن است که گرامی‌تر، بهتر و برتر باشد بنابراین، تفاخر به نسب و ثروت و جاه و منصب دنیوی را فروگذارید. و قطعاً تقوا و تکبر با هم سازگار نیستند و کسی که اهل تقوا باشد، از خصلت غرور و تکبر میراست. و کسانی که این مریضی درونی را دارند باید توبه کنند، و راه تزکیه نفس را در پیش گیرند و دیگر در مقابل با خواهر و برادر مسلمانان احساس بزرگ بینی و غرور نکنند، تا به مرور زمان این مریضی علاج شود و جای خود را به تواضع و فروتنی بدهد، و خداوند متعال صفت مؤمنان را چنین بیان می‌کند: «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (سوره مائده ۵۴). یعنی: در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. **صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.**

فهرست:

ترجمه مؤجز

معلومات مؤجز

خلاصه تفسیر

وجه تسمیه

موضوعات کلی سوره

محتوای سوره

تفسیر سوره

تکبر

منابع و مآخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- امام سیوطی کتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفهانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن/ سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل

- تفسير كابلې
- صحيح مسلم
- صحيح البخارى